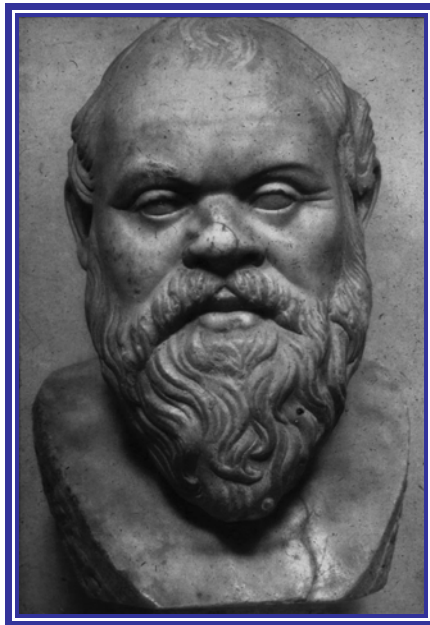




حرف سازنده



در یونان باستان سقراط به دلیل خرد و درایت فراوانش مورد ستایش بود. روزی فیلسوف بزرگی که از آشنایان سقراط بود، با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط می‌دانی رابع به یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟ سقراط پاسخ داد:

"لغظه‌ای صبر کن. قبل از اینکه به من چیزی بگویی از تو می‌خواهم آزمون کوچکی را که نامش سه پرسش است پاسخ دهی."

مرد پرسید: سه پرسش؟

سقراط گفت:

بله درست است. قبل از اینکه رابع به شاگردم با من صحبت کنی، لغظه‌ای آنچه را که قصد گفتنش را داری امتحان کنیم. اولین پرسش "پرسش حقیقت" است. کاملاً مطمئنی که آنچه را که می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

مرد جواب داد: "نه، فقط در موردش شنیده‌ام"

سقراط گفت:





"بسیار فوب، پس واقعاً نمیدانی که فبر درست است یا نادرست". حالا بیا پرسش دوم را بگویم.

"پرسش فوبی" آنچه را که در مورد شاگردم می‌فواهی به من بگویی فبر فوبی است؟
مرد پاسخ داد: "نه، برعکس..."

سقراط ادامه داد: "پس می‌فواهی فبری بر در مورد شاگردم که حتی در مورد آن مطمئن هم نیستی بگویی؟"
مرد کمی دستپاچه شد و شانه بالا انداخت.
سقراط ادامه داد:

و اما پرسش سوم "سازنده بودن" است. آن چه را که می‌فواهی در مورد شاگردم به من بگویی برایم سازنده است؟
مرد پاسخ داد: "نه، واقعاً..."

سقراط نتیجه‌گیری کرد:

"اگر می‌فواهی به من چیزی را بگویی که نه حقیقت دارد و نه فوب است و نه حتی سازنده است پس چرا اصلاً آن را به من می‌گویی؟"

فرستنده متن: آرام زهره بخش

www.DiaMethod.com

